

بنام خدا

بحثی رو دوستان از مدت‌ها قبل گفتند که خدمتتون تقدیم کنم بنده اسم این بحث رو تحلیل دوران غیبت و نقش امام عصر ارواحنا فداه قرار دادم. ابتدا نگاهی به دوران امامت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه داشته باشیم، خب الحمدلله عزیزان اهل مطالعه هستید، مستحضرید دوران امامت از سال ۲۶۰ هجری قمری آغاز شد و ما نمی‌دانیم تا کی ادامه پیدا خواهد کرد! اما این دوران شامل سه دوره و سه عصر می‌شه :

یک- دوران غیبت صغری از سال ۲۶۰ تا سال ۳۲۹ هجری قمری

دو- عصر غیبت کبری : که از سال ۳۲۹ هجری قمری تا دوران ظهور که امیدواریم خیلی دور نباشه، ما طبیعتا بحثمون ناظر به دو دوره‌ی اول خواهد بود.

سه- عصر ظهور : که اساتید ان شاء الله در این باره خواهند گفت و بحث خواهند کرد. بحث ما اختصاص به بحث غیبت داره، البته هم غیبت صغری هم غیبت کبری. ابتدا یه اشاره‌ای داشته باشیم به فلسفه غیبت امام عصر ارواحنا فداه.

- فلسفه غیبت

من از خود دوستان سوال کنم که به صورت کارگاهی هم پیش بریم، آنچه که شما فعلا از مطالعاتتون و گفتگوهای گذشته بدست آوردید در رابطه با فلسفه غیبت امام عصر ارواحنا فداه چیه؟ هر کدام از عزیزان یه مورد بگن [نظرات حاضرین : آماده نبودن مردم : یه عده هنوز آماده نیستند لذا در دوران غیبت باید آماده بشن. خوف قتل، پس یه بحث آمادگی مردم، آماده نبودن مردم، بیم از کشته شدن، احساس نیاز کردن مردم : یعنی غیبت صورت گرفته تا این نیاز احساس بشه، چون قدر نمی‌دانستند، آزمایش مردم : چطور؟ یعنی خود غیبت آزمایشه، خواست خدا، سرّی از اسرار الهی.]

این آخرین جوابی که دوستان دادند. سِرِّ الهی ست، سِرِّ الهی یعنی قرار نیست مردم با خبر بشن، حتی تشبیه کردند به اون ماجرای موسی و خضر که اتفاقاتی می افتاد و موسی هم نمی دونست حکمت اینها چیه، فلسفه اینها چیه، بعد کشف شد که حکمتش چیست. بعضی بزرگان فرمودند شاید فلسفه اصلی غیبت همون چیزی باشه که ما امروز نمی دانیم، گفتند از اسرار الهیست، رمز و رازی داره که بعدها روشن خواهد شد.

روایات چیز دیگه ای نگفتند؟ چرا، با وجود این، باز حکمت های دیگه ای بیان شده، یعنی شاید بشه گفت راز اصلی غیبت پنهانه، اما حکمت هایی برای این غیبت گفته شده، از جمله اونها **حفظ جان امامه** که در روایات مکرری داریم به این معنا اشاره شده من یه مورد رو خدمتون عرض می کنم: مرحوم کلینی در کتاب کافی، نقل می کنه که زُراه (از یاران حضرت صادق (علیه السلام)) می گه از حضرت شنیدم که فرمودند: «امام منتظر پیش از قیام خویش، مدتی از دیدگان غائب خواهد شد» می گه عرض کردم چرا؟ فرمود: «بر جان خویش بیمناک است» حفظ جان امام یکی از این حکمت های غیبته! خب همه امام های قبلی به شهادت رسیدند! این یه توضیح لازمی داره - خوب عزیزان دقت کنند - ائمه با روش ها و سیره ها و رویکردهای مختلف باز هم از دشمن در امان نبودند، تصور نکنید سیدالشهدا که به شهادت می رسد چون قیام به پا کرده، امام مجتبی (علیه السلام) هم به شهادت رسید، امام صادق (علیه السلام) که ما مثلاً تصور می کنیم ظاهراً دیگه اهل درس و بحث بودند هم به شهادت رسیدند! نکته مهمیه؛ حتی امام کاظم محبوس در سیاه چاله ها رو به شهادت می رسانند. من در بحث های سیره (روش زندگی اهل بیت (علیهم السلام)) هم عرض کرده ام که ذهن مخاطب رو شما باید با یه سری سوال پرسیدن ها، درگیر بحث کنید تا بفهمه دستش تو سیره چقدر خالیه، از جمله اینکه بهش بگید "امام کاظم (علیه السلام) که تو زندان بودند دیگه چه کار خاصی کردند؟ تا حالا به این فکر کرده اید که اصلاً برای چی زندان بیفتند؟! این همه بزرگان امت اسلام بودند نه تنها آزاد بودند که جایگاهی برای خودشون داشتند، چرا پسر پیغمبر به زندان بیافته؟! " دشمن چه هراسی از حضرت داشته اونم نه یه زندان، زندانی به زندان دیگه! نه یه زندان عادی، سیاه چاله هایی در عمق زمین که شب و روزش معلوم نبوده، خب برای چی این جوریه؟ بعد باز از خودش بپرسه، با وجود این آخرش هم

حضرت رو شهید کردند، یعنی این‌ها احساس می‌کردند حتی با زندانی کردن حضرت هم انگار خطر برطرف نشده، یعنی راضی نیستند بیست سال، سی سال حضرت را در زندان نگه دارند!

خب بعد میرید دنبال می‌کنید می‌بینید امام کاظم(علیه السلام) از یک نفوذ فوق‌العاده‌ی اجتماعی و سیاسی برخوردار بودند، و به تعبیر امروزی‌ها دولت در سایه‌ای تشکیل شده، میان پیش‌هارون می‌گن دو خلیفه در زمین هستند که خراج برایشون می‌برند، گفت دو خلیفه؟ یعنی چی دو خلیفه؟ گفت «أنت و موسی بن جعفر» تو و موسی بن جعفر. گردش مالی و کلاهی امام کاظم(علیه السلام) صدها هزار دینار بوده، که از نقاط مختلف امت اسلامی می‌رسید به دست حضرت، و این‌ها توزیع می‌شد، شیعیان و دوستداران امام در جاهای مختلف، بسیاری از نیازمندان تامین می‌شدند... به این مقدار بسنده نمی‌شد وزیر دربار از شیعیان خاص امام موسی بن جعفر، کاتب دربار از شیعیان خاص حضرت، پس این‌ها واقعا احساس خطر می‌کردند، ظاهرش اینه که امام کاری نمی‌کرد ولی در حقیقت حرکت امام به سمتی است که اگر زمینه داشته باشند مجالی برای طاغوت‌ها باقی نمی‌گذارند! امام رضا(علیه السلام) مگر ولیعهد نشد؟ پس چرا امام رضا رو کشتند؟! این خیلی مهمه، امام عسکری(علیه السلام) از اسمشون مشخصه دیگه (عسکر : سپاه، لشکر)، عسکری یعنی محاصره در لشکر دشمن بودند دور تا دور خانه حضرت لشکر دشمن بود، اصلا سامرا یه شهر نظامی بود، و شما می‌بینید به امام عسکری(علیه السلام) چند سالی بیشتر امان نمیدن و حضرت رو در همون سنین جوانی به شهادت می‌رسونن! کار به جایی برسه که امام عسکری جوان، وسط محاصره لشکر دشمن هم «به شهادت» می‌رسه، چون می‌خوان امام زمان بیارن که مهدی موعوده، پس ما وقتی می‌گیم حفظ جان امام، زود کسی فکر نکنه، با امام عسکری چه کردند؟ با وجود اینکه در محاصره بودن حضرت و تمام رفت و آمدها کنترل شده بود، یه همچین وضعیتی بود، خانه‌ها رو واری می‌کردند، زنان را تحت نظر داشتند! لذا امام زمان بدون علائم بارداری مادرش به دنیا آمد، امام عسکری(علیه السلام) مخفیانه به خواصی از شیعیانشون این طفل به دنیا آمده رو نشان می‌دادند، یه همچین وضعیتی بود، و البته هر چه گذشت هم حساس‌تر شدند.

من به دوستان گفتم هر قدر می‌توانید و هر وقت یادتون اومد طلب رحمت و مغفرت کنید برای نواب خاص امام زمان که چقدر ما کم از این‌ها یاد می‌کنیم، اسم‌هاشون رو بلدیم اما چقدر برای این‌ها قرآن خوندم، برای این‌ها زیارت کردیم رحمت خدا بر این چهار مرد، چهار مردی که در طول اون شصت و اندی سال، نگذاشتند دست دشمن به امام زمان برسه اونم تو چه شرایطی! تو شرایطی که این‌ها هر نقطه ای کمین می‌کردند که مثلا رد پایی از امام زمان پیدا کنند و کار رو تمام بکنند! این چهار نائب کار بلد، دلسوز، مومن و فداکار نگذاشتند دست این‌ها به امام زمان برسه، و عجیبه با وجود اینکه نائب بودند و مدام در ارتباط با امام زمان بودند و حلقه واسط میان مردم و امام زمان بودند نگذاشتند دشمن کمترین نشانی‌ای پیدا کنه که اگر پیدا می‌کردند تمام می‌کردند کار رو. پس یکی از اون حکمت‌هایی که در روایات بیان شده این است حفظ جان امام.

مورد دیگه‌ای که باز تو روایات دیدیم، تصریح شده به اون **آزادی از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمانه**، این خیلی مهمه، ما باید حفظ جان امام رو مطرح بکنیم، اولین چیزی که به ذهن می‌رسه، خب امام تقیه می‌کردند، و واقعا هم تقیه می‌کردند، به عبارتی دیگه خیال دشمن رو راحت می‌کردند؛ با دشمن بیعت می‌کردند و خاطر دشمن رو کاملا راحت می‌کردند، که هیچ خطری از جانب ما قرار نیست به شما برسه، خب جواب این است قرار نبود حضرت مهدی (عج الله) همچین کاری بکنه، یعنی اگه جدشون امام صادق (ع) از روی تقیه ناچار به بیعت بود، امام زمان دیگه ناچار نیست، اگه جد بزرگوارشون حضرت رضا (علیه السلام) مجبور به قبول ولایت عهدی میشه، امام زمان مجبور نیست، همین‌طور حضرت جواد، همین‌طور حضرت هادی، و پدر بزرگوارشون امام عسکری (علیه السلام)، چون اصلا سنت الهی اینه که امام مهدی عج الله از اهل بیت، بیعت هیچ طاغوتی بر گردن نداشته باشه.

کمال الدین یکی از کتاب‌های سیاسی، اخبار امام زمان تو همین کتاب ذکر شده، شیخ صدوق در کمال الدین حدیثی نقل می‌کنه که امام هشتم فرمودند: « گویا شیعیانم را می‌بینیم که هنگام رحلت سومین فرزندم یعنی حضرت عسکری (علیه السلام) در جستجوی امام خود همه جا را می‌گردند اما او را نمی‌یابند» عرض کردم چرا او غایب می‌شود؟ «برای اینکه وقتی قیام می‌کند بیعت کسی بر گردنش نباشد» پس این هم

یکی دیگر از این حکمت‌ها، که بله اگر امامی زنده بماند حقیقتاً چاره‌ای نداشت جز بیعت، و خاطر دشمن رو جمع بکنه که خطری از ناحیه من به شما نمی‌رسه.

علت دیگه **آزمایش مردم**؛ در روایات به این معنا تصریح شده، یکی از این روایات رو خدمتون عرض می‌کنم. شیخ طوسی در الغیبه خودش، روایاتی از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل می‌کنه. حضرت فرمودند: «هنگامی که پنجمین فرزندم، امام زمان (علیه السلام) غائب شد مراقب دینتان باشید مبادا شما را کسی از دینتان خارج کند او ناگزیر غیبتی خواهد داشت، آنگونه که گروهی از مومنان از عقیده خویش برمی‌گردند اما خداوند به وسیله غیبت، بندگان خویش را آزمایش می‌کند» ببینید از خودم چیزی نگفتم، تصریح روایات این است که "غیبت" قراره آزمایش باشه، غربال بشه، مومنان خالص معلوم شوند! آیات ابتدایی سوره عنکبوت رو ببینید، فرمود: **أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ**، مردم فکر کردند همین که بگن ایمان آوردیم رها می‌شن و خدا اون‌ها رو آزمایش نمی‌کنه؟! فرمود پیشینیان تون رو به فتنه‌هایی دچار کردیم، و شما رو هم آزمایش می‌کنیم، ابتلا و آزمایش سنت قطعی ماست البته مردم در آخرالزمان چون اتفاقاً از کمالات بیشتری برخوردارند، از رشد بالاتری نیز برخوردارند - نکته همینه که - لذا آزمایششون هم سخته ...

فراهم آمدن یاوران امام : خب امام در اون دوره یارانی که با اتکالی به آنها بخواد قیام کنه نداشته و اتفاقاً باز در یک روایت هست که در توقیع خود حضرت ولی عصر ارواحنا فداه آمده که «اگر ما یار و همدل داشتیم غیبت ما این قدر به درازا نمی‌کشید ما منتظر جمع شدن این یاران هستیم» در روایت می‌بینید آمده که ۳۱۳ نفر سردار او به تعداد یاران جان بر کف پیامبر در جنگ تاریخی بدر، که این ۳۱۳ تن عرض کردم سرداران حضرت هستند، او منتظر ۳۱۳ سردار است به معنی واقعی کلمه، خب تا این یاران جمع بشوند شاید سالهای سال طول بکشه! امام مجتبی (علیه السلام) چرا نجنگید؟! چون یار و سردار به اندازه‌ی کافی نداشت و لذا این جنگ مُمَر ثَمَر نبود. خب اگه کسی بپرسه سیدالشهدا پس برای چی قیام کرد با چند تن؟ این‌جا دیگه پیروزی مطرح نبود اونچه که مهم بود مقاومت بود، اونچه که مهم بود ممانعت از بیعت - با پلیدترین

انسان ها - بود، این مهم بود برای سیدالشهدا، حضرت دیگه در کربلا دنبال پیروزی بر دشمن نبود، دنبال رسوا کردن دشمن بود، دنبال بیدار کردن مردم بود، و اتفاقا اون کار با کشته شدن و ریخته شدن خون حضرت بهتر محقق می‌شد، ببینید این تفاوت‌ها رو خوب باید بتونید تحلیل کنید، امام زمان (علیه السلام) قرار نیست دوباره کارهای جدش رو انجام بده، خون مقدّسش ریخته بشه که مردم بیدار بشن که چه، او باید کار رو تمام کنه، وقتی قراره کار رو تمام کنه، وقتی قراره بشارت همه‌ی انبیاء رو محقق کنه، دیگه معنی نداره خودش در این راه به شهادت برسه، او قراره آرزوی همه مستضعفین رو به واقعیت تبدیل کنه، پس باید پیروز بشه، برای پیروزی هم باید یار و سردار به تعداد کافی داشته باشه، به تعبیر روایات - در کتاب کافی - افرادی که اضطرار به حجت (عج الله) پیدا کنند و واقعا زبان حالشون باشه که **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السَّوْءَ**؛ اضطرار رو احساس کنند فقط او باید بیاد... و این عطش رو نسبت به وجود امام احساس کنند، خوب این‌ها در واقع همه‌ی اون چیزهایی است که تحت عنوان فلسفه غیبت امام عصر مطرح کردیم.

خب همان‌طور که اشاره شد امام دو غیبت داشته اند: غیبت صغری و غیبت کبری

که غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری آغاز می‌شه و تا سال ۳۲۹ هجری. اگر از شما بپرسیم تفاوت غیبت صغری با غیبت کبری چیست؟ چی جواب می‌دید؟ اگر از شما سوال کردند تفاوت غیبت صغری با غیبت کبری چیه؟ باید بگید بر دو چیز است: ۱- از جهت نائبان امام در دوران غیبت که در دوران غیبت صغری نایبان خاص و مشخصی دارند و در دوران غیبت کبری حضرت نایبان خاصی ندارند، نایبان عام دارند این‌ها در واقع به عنوانی که پیدا می‌کنند در دسترسند، دیگه اسم و رسمشون مشخص نیست که اون‌ها چه کسانی اند، "فقهای جامع شرایط" خب کیا دقیقا؟ مشخص نیست، اما فقیه می‌شود نائِب عام امام زمان (علیه السلام) اما در دوران غیبت صغری، کاملا مشخصه، این نفر اول، این نفر دوم، این نفر سوم و این هم نفر چهارم. ۲- گشوده بودن باب ارتباط اختیاری است، که در دوران غیبت صغری هست اما در دوران غیبت کبری نیست و این برمی‌گرده به مورد اول، در دوران غیبت صغری که حضرت نائبان خاص دارند زمینه رو هم برای ارتباط با حضرت فراهم می‌کنند، نائبان خاص که هر وقت اراده بکنند خدمت حضرت می‌رسن،

مردم هم اگر مسئله‌ای داشته باشند از طریق نائبان خاص به حضرت می‌رسونن، جوابش هم از طریق نائبان خاص به حضرت می‌رسید، پس باب ارتباط با حضرت در دوران غیبت صغری در حالت اختیاری گشوده است، آن هم فقط برای نایبان خاص بی‌واسطه... اما در دوران غیبت کبری چون حضرت نائبان مشخصی ندارند و این‌ها هم ارتباط مستمر و اختیاری با امام ندارند فلذا باب ارتباط اختیاری با امام بسته است.

اینکه دوستمون گفتند "در دوران غیبت کبری گاهی ملاقات شده" یعنی همین، اصلا تصور نکنید که ولی فقیه کسی است که با امام زمان دائما در ارتباطه، یه وقت بچه‌های انقلابی و بسیجی ما تصور نکنند این یه جور معرفت به حضرت آقاست، و درک جایگاه حضرت آقاست. نه، ما همچین اعتقادی نداریم. بنا نیست همچین اعتقادی داشته باشیم، چون در عصر غیبت کبری هستیم! چه کسی گفته که فقها در ارتباط مستمر و اختیاری‌اند؟! حضرت اینو تکذیب کردند، فرمودند اگر کسی همچین ادعایی کرد تکذیبش کن، قرار نیست همچین بابی گشوده بشه، که افرادی باشن که هر زمان که اراده کردند به خدمت حضرت برسند و افراد هم به واسطه اون‌ها بتونن پیغام ببرن برای حضرت، گفتند اصلا خصوصیت غیبت کبری اینه. پس ملاقات‌ها چیه؟ ملاقات‌ها به صورت بسیار نادر در مواردی که اراده خدا و حجت خدا به او تعلق گرفته اتفاق می‌افته و دیگه زمینه‌ای برای استمرار هم وجود نداره. یعنی به گونه‌ای نیست که حتی مقدّس اردبیلی هم هر وقت اراده کنه خدمت حضرت برسه! نخیر، ولو دوبار رسیده باشه، سه بار رسیده باشه، اما این جور نیست که هر وقت دلش خواست بره مسجد کوفه، نه! اون مال نواب خاص بود، و اتفاقا کار رهبر ما از همین جهت سخت و طاقت فرساست!

اگر جزء نواب خاص حضرت بود، کار آقا ساده‌تر بود، تو فتنه‌ها، تو مشکلات، از حضرت نام می‌بردند و از حضرت یاری می‌خواستند و حضرت هم یه اشاره می‌کردند و تمام، خجالت نکشیم از اینکه بعضی حرف‌ها رو بگیم. آقا خودشون دارند تصریح می‌کنند «ما در فلان مسئله اشتباه کردیم نباید این سیاست رو ادامه می‌دادیم» من نباید کاسه داغ‌تر از آش بشم، یه عصمتی برای رهبری قائل باشم کأنه هر چی ایشون می‌فرمایند حرف امام زمانه، نه! فرمان بدهد، فرمان او برای من فرمان امام زمان(عج الله)، دقت کنید مرحوم آقای

میرزا جواد آقا تهرانی رفته بودند جبهه، کاری می‌خواستند انجام بدن از فرماندهی گردان اجازه می‌گرفتند، فرمانده می‌گفت آقا شما سرور مایی، ایشون می‌فرمودند این حرف‌ها رو زن، فرمانده الان شمایی، اطاعت از امام اطاعت از شماست، علما اینو به ما یاد دادند که فرمان او برای مطاعه، باید بدانیم معصوم نیست، و یه جاهایی ممکنه خود او بگه، تو فلان مسئله شاید اشتباه کردیم، منتهی ما سرباز پا به رکابیم، مادامی که برای ما ثابت نشده باشه اطاعت می‌کنیم، ما بالاخره فرق می‌گذاریم با کسی که مستقیم داره از امام زمان (عج الله) داره دستور می‌گیره با کسی که مستقیم دستور نمی‌گیره، اما عادل، دقت می‌کنید؟ عادل، حرف هوی و هوسش نیست! تشخیصش، حکم دین رو می‌خواد به ما بگه... می‌گه حکم دین اینه، همون طور که ما از مرجع تقلیدمون تقلید می‌کنیم، می‌دونید دیگه معلوم نیست تمامی احکام عینا همون احکام الهی باشه، می‌گفتند در لوح محفوظه، اینا تشریفه، گفتند "قبول نداری، اشکال نداره خودت برو تخصصش رو پیدا کن مجتهد شو، دیگه لازم نیست بری تقلید کنی" او تشخیصشو به تو گفته، خودشم گفته، گفته انشاءالله مجزی است، مجزی یعنی چی؟ یعنی چیزی به گردن تو نیست، تو به تکلیف عمل کردی، فردا اگه فهمیدی اون روز اتفاقا باید روزه می‌گرفتی افطار کردی هیچ اشکالی نداره، چون به تکلیف عمل کردی، لذا جالبه امام فرمود ما یه لحظه از جنگ پشیمان نیستیم، ما به تکلیفمون عمل کردیم ولو بعدا تو این شرایط احساس کنیم اون جا نباید این کار رو می‌کردیم ولی به تکلیفمون عمل کردیم، این خیلی مهمه عزیزان، غیبت کبری یعنی همین!!

ما هنوز انگار این اضطرار رو نفهمیدیم! فکر کردیم همه چیز در امن و امانه، اگه همه چیز در امن و امانه، رهبر ما هم مستقیم از خود حضرت دستور می‌گیره، من سوال می‌کنم امام زمان برای چی بیاد دیگه؟ خب همه چی داره به خوبی پیش میره، خود حضرت دارن اداره می‌کنند، این چه حرفی بود یه عده‌ای آمدند گفتند که بله « اینا پول امام زمان (عج الله) است، این لیست لیست امام زمان (عج الله) » این حرف‌ها، حرف‌های دینی نیست ولو اینکه رجال مملکتیمون بگن، لیست امام زمان یعنی چی؟ پول امام زمان یعنی چی؟ بودجه‌ای است دست شما، گاهی وقت‌ها درست تنظیم می‌کنی، گاهی غلط تنظیم می‌کنی، تبعاتش هم ملت باید تحمل کنند، چرا گردن امام زمان (عج الله) می‌ندازید، غیبت کبری ست اینو بفهمید، گاهی جوون‌ها از ما سوال می‌کنند، برای چی اختلافه بین علماء، خودشون حل کنند. چون تو عصر غیبتیم، شوخی نیست که، اگه به

همین راحتی می‌شد خدمت حضرت رسید خب بله کلا مسائل رو حل می‌کردند دیگه، اونوقت دیگه نه تو احکام شرعی اختلاف بود، نه تو مسائل اعتقادی اختلاف بود... چون عصر غیبت، دست ما کوتاهه، گاهی حضرت عنایتی بکنه اون جایی که ضرورت میدانه دخالت خواهد کرد، این غیر از این است که ما هر جا گیر کنیم بگیم "آقا جان کمک کنید" بعد هم بگیم خب الحمدالله این حل شد...

دست حضرت هم - به تعبیری - بسته ست، چون عصر غیبت و بنا بر این نیست که حضرت ورود مستقیمی داشته باشند! در بحث "اجماع" طلبه‌ها تو حوزه می‌خوندند، طلبه‌هایی که حضور دارند می‌دونند، می‌گن آقا این اجماع، باید اجماع فقهای متقدم باشه، چون در اجماع متقدم گاهی اوقات خود امام زمان هم در بین شان بوده، اما توی متاخرین و سیره ی متشرعه متاخرین فایده ای نداره به خاطر اینکه می‌گن اگه امام زمان (عج الله) مخالف باشه که نمی‌تونه ادعای مخالفت کنه، این چه حرفیه بعضی میگن «حالا که متدینین کاری انجام می‌دن معلوم می‌شه حضرت راضین» اصلا چنین چیزی معلوم نیست، هر سال در کربلا همه قمه می‌زنن، حتما حضرت راضین؟ کی گفته؟ الان خیلی از متدینین ما خیلی کارها رو تو عروسیشون می‌کنند، حتما حضرت راضیند دیگه؟! حضرت چه جوری بگن؟! اینو من بیشتر تاکید کردم، خیلی کج فهمی‌ها متاسفانه این جا وجود داره و یه عده ای بهش دامن می‌زنن، این غیبت کبری‌ست، گاهی فیضی شامل حال بعضی بزرگان، بعضی اولیاء خدا شده، دیداری دست داده، خیلی از اون‌هایی که نقل شده که اصلا ثابت نیست، اون مواردی هم که تازه ثابت می‌شه، نادره.. اباب ارتباط اختیاری دیگه بسته شده، حتی برای فقها، حتی برای علماء، خب پس کار در غیبت صغری روشنه، یکم آسانتره از غیبت کبری، من می‌تونم این جوری تعبیر بکنم که غیبت صغری عزیزان در واقع یک حد واسطی است میان حضور و غیبت امام، غیبت صغری نه جزء دوران حضوره، نه جزء دوران غیبت، به معنای واقعی یه چیزی بین این دو تاست، هم امام هست، هم امام نیست، هست از این جهت که بالاخره مردم می‌تونستند ارتباط داشته باشند ولو حضرت رو نمی‌دیدند...

خب سیاست امام زمان در این عصر چیه؟ سیاست عبارت است از آماده سازی برای عصر غیبت کبری، غیبت صغری اصلا فلسفه‌ش اینه که امام مردم و شیعیان رو آماده کنند برای دوران غیبت، اون هم غیبت کبری، بعد جالبه این آمادگی اتفاقا به تدریج آغاز شده، من فقط یه اشاره بکنم خدمتون ببینید چقدر معنا داره؛ امام صادق (علیه السلام) آخرین امامی است که حضور علمی و اجتماعی او رونق داشت، هزاران نفر با حضرت ارتباط دارند، ۴۰۰۰ شاگرد امام، که رفت و آمد دارن ها! اما برای امام کاظم (علیه السلام) چه اتفاقی میفته؟! حضرت دیگه جدا میشن از مردم، تبعید میشن به بغداد، بعد زندانی می‌شن در زندان‌های هارون! دیگه شیعیان امامشون در زندانه، حضرت رضا (علیه السلام) هجرت می‌کنن تا دورترین نقاط اون روز، فرسنگ‌ها دورتر، خب این شیعیان عراق، شیعیان حجاز، حضرت جواد (علیه السلام) باز به دربار فراخونده می‌شن، امام هادی (علیه السلام) تبعید می‌شن به سامراء، امام عسکری (علیه السلام) اصلا در محاصره، می‌بینید این سیر رو، دیگه شیعه کم کم باید عادت کنه، این ارتباط هی کمتر و کمتر بشه، آماده بشیم و بعد با شهادت امام عسکری (علیه السلام) غیبت صغری آغاز می‌شه، ببینید حکمت خدا رو، و مهربانی خدا رو، می‌دونه این‌ها ساخته براشون مواجهه با غیبت به این شکل، لذا غیبت صغری رو قرار میدن و میگن: درسته که امام رو دیگه نمی‌بینید ولی از طریق نواب می‌تونید با حضرت ارتباط داشته باشید. خب ۶۹ سال ادامه پیدا می‌کنه حضرت اعلام می‌کنه که دیگه ارتباط نواب هم با ما قطع شد، پس سیاست آماده سازی عصر غیبت کبری‌ست.

اهداف غیبت صغری چه بود؟

ببینید در راستای این سیاست، دو هدف جدی رو امام ظاهرا دنبال می‌کردند این تحلیل و استنباط ماست، ۱- **اولا جلوگیری از فروپاشی شیعه** (شیعه به عنوان یه اقلیت در فشار بود، دقت کنید شرایطی در دوران امام هادی (علیه السلام) به شیعه تحمیل کردند که تا کنون سابقه نداشت، هزاران نفر شیعه رو قتل عام کردند! اینا در نقاط مختلف، در فقر و استضعاف شدید این‌ها رو نگه داشته بودند، با مقدّسات شیعه بدترین برخوردها رو می‌کردند! متوکل چه کرد؟ آب بست به حرم سیدالشهدا، شخم زد زمین کربلاء رو، این وضع شیعه بود! حالا تصور کنید یه اقلیت اینگونه از هر جهت تحت حمله و فشار حالا دیگه امام خودش رو هم

نمی‌بیند خب هدفِ امامِ اینه که جلوی فروپاشی شیعه رو بگیرن، کیانِ تشیع حفظ بشه اولاً، و ۲- ثانیاً **جلوی انحراف در شیعه هم گرفته بشه**، پیشگیری از بروز انحرافات، اگه یک دفعه دست شیعه از امام کوتاه بشه ممکنه شیعه متلاشی بشه، اگر هم متلاشی نشه، ممکنه دچار انحراف‌های جدّی بشه و یا اصلاً سر از یک اعتقاداتی در بیاره که هیچ نسبتی با مکتب اهل بیت نداره! غیبت صغری لازم هست برای اینکه پیشگیری بشه از بروز این انحرافات، لذا شما می‌بینید حالا که داره احساس می‌کنه دیگه امام رو نمی‌بیند، در موقعیت‌های مختلف سوالات خودش رو، مشکلات خودش رو، درد دل‌های خودش رو از طریق نواب با امام در میان می‌گذاره. توقیع‌های فراوانی که از ناحیه امام عصر (علیه السلام) جهت جواب به مسائل شیعه و رفع نگرانی‌ها صادر شده، از این فرصت باید استفاده بشه، لذا حضرت نامه می‌نویسند که: **وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ** (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰، این توقیع در کتاب کمال الدین و احتجاج طبرسی نیز آورده شده) **گد** میده حضرت، نشانی میده حضرت، نواب کتاب‌های حدیثی شیعه رو می‌گیرن، گاهی می‌برن پیش حضرت، گاهی می‌برن پیش بزرگان شیعه، اینا بررسی می‌شد تا جلوگیری بشه از بروز انحراف‌ها...

راهبردها چیست؟ ببینید تو ادبیات استراتژیک راهبردها در واقع راهکارهای کلی هستند که قراره ما رو به اهداف برسانند، درست شد؟ گاهی بهشون می‌گن سیاست‌های اجرایی. این راهبردها عبارت است از

۱- «**حمایت مادی و معنوی از شیعیان**» در راستای اون اهداف؛ یعنی برای جلوگیری فروپاشی، برای پیشگیری از بروز انحراف، حمایت مادی و معنوی میشد.

حمایت مادی : جالبه در دوران غیبت صغری شما برید ببینید حضرت هزینه می‌کردند برای شیعیان شون، که مثلاً این پول رو به فلانی برسونید، فلانی رو دریابید، این نواب هم به بهترین شکل ماموریت رو انجام می‌دادند.

حمایت معنوی : دستگیری از فلانی، دلجویی از فلانی، دعا برای فلانی...

۲- مسئله‌ی بعدی «پاسخ به سوالات و شبهات» بود، شیعه باید از این آخرین فرصت استفاده کند، آقا نظرشون راجع به فلانی چیه؟ نظرشون راجع به فلان جریان چیه؟ فلان کتاب‌های حدیثی از نظر حضرت، معتبر هستند یا نه؟ جواب این شبهه رو چه جوری بدیم؟ که عمداً در قالب مکاتبات انجام می‌شد. عرض کردم با واسطه نواب بزرگوار.

۳- و سوم «تبیین شیعیان در عصر غیبت» حضرت این رو تبیین می‌کنند که در دوران غیبت چه کنید، در اون سالهایی که دستتون به ما نمی‌رسه چه کنید، خب این نقش امامه در عصر غیبت صغری. لذا عرض کردم "غیبت صغری" واقعا یه حد واسطی است میان حضور و غیبت کبری، یعنی با وجود اینکه دست مردم به امام نمی‌رسه، اما حضرت خیلی از کارها رو تو همین دوران غیبت انجام میدن.

و اما با آغاز عصر غیبت کبری، ببینید سیاست کلی حضرت، از آماده سازی برای عصر غیبت طبیعتاً تبدیل می‌شود به آماده سازی برای عصر ظهور؛ حالا دیگه باید مردم آماده بشن برای عصر ظهور، و البته ممکنه خیلی هم به طول بیانجامه. ما باید در جهت آمادگی مردم به هم کمک کنیم، این سیاست اصلی امامه.

اهداف چیست؟ اهداف عبارت است از :

۱. اولاً «حفظ کیان مکتب» : اینا خیلی مهمه، حضرت در همین غیبت کبری به هر نحو شده کیان مکتب رو حفظ می‌کنند، لذا ما تصور نکنیم که حضرت به هیچ نحو هیچ دخالت و تصرفی ندارند نه خیر، کیان مکتب رو حضرت حفظ می‌کنند یعنی اینکه تو همه‌ی مناقشات حضرت ورود پیدا نمی‌کنند، تو همه اختلافات وارد نمی‌شن، تو ریز مسائل و جزئیات دخالت نمی‌کنند، اما اونجایی که کیان مکتب و موجودیت شیعه در خطر باشه، حضرت حتماً نقش ایفا می‌کنند، مکتب باید تا دوران ظهور حفظ بشه، لذا می‌بینید یه جاهایی به بعضی فقها یه عنایاتی داشتند... چون کیان مکتب باید حفظ بشه، اگر کیان مکتب وابسته است به حفظ موجودیت شیعه، مثلاً تو این گوشه از دنیا مطمئن باشید حضرت کمک می‌کنه.

و همین‌طور به طور خاص ۲. «حفظ و تقویت جبهه حق»: بعضی حدیث **يَمْلَأُ اللَّهُ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا** غلط معنی کردند، تصور کردند معنی حدیث اینه که هر چه ظلم و جور زیادتر پس ظهور حضرت هم نزدیک‌تر! و لذا ما خودمون هم حذف خواهیم شد چون می‌گن «ملئت ظلما و جورا، پر می‌شه همه جا از ظلم و جور، دیگه انقلاب اسلامی چه سیغه ایه؟ حدیث داره می‌گه پر می‌شه، یعنی دیگه اثری نیست از عدل و داد» بی‌خود می‌گن! در حالی که نفهمیدن **مُلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا** به این معنا نیست که دیگه هیچ اثری از جبهه حق وجود نداشته باشه، کی گفته همچین چیزی رو، اتفاقا روایات تکذیب می‌کنن، وقتی خبر می‌دن از علائم پیش از ظهور و اشاره می‌کنند به قیام‌هایی که پرچم حق را بلند می‌کنند، که در رابطه با قیام یمانی تعبیر اینه که "بهره اش از حق و هدایت از همه بیشتر است" معلوم می‌شه پس پرچم حق بلند. اینایی که می‌شتابند برای یاری حضرت معلومه پس هنوز هستند پس ملئت ظلما و جورا یعنی چی؟! من مثال می‌زنم تا معنا روشن بشه، آقا شما می‌گید این اتاق پر شده از گرد و خاک، خب این یعنی چی؟ پر شده از گرد و خاک یعنی دیگه هیچی تو این اتاق نیست؟! یعنی هیچی جز گرد و خاک وجود نداره تو این اتاق؟! نور هست، آب هست، البته خب اونیه که به چشم میاد همه جا چیه؟ گرد و خاکه! یا می‌گیم صندوق پر شده از حشره، پر شده از حشره یعنی دیگه هیچی دیگه توش نیست؟ نه، سکه هم توش هست، اما یه عالم حشره توشه. اما این قدر اینا وول می‌خورند که اونیه که آدم می‌بینه حشره است، صندوقی پر از پشه و حشره! **جُولَانِ طَاغُوتٍ زِيَادَةٍ تَوَى دَوْرَانَ آخِرِ الزَّمَانِ**، حدیث رو درست بفهمیم. ملئت ظلما و جورا، یعنی ظلم و جور خودش رو تحمیل می‌کنه به همه، نه اینکه دیگه اثری از حق وجود نداره، پس ملئت ظلما و جورا همه‌ش اینه.

جریان حق هم هست، جبهه حق هم هست و حضرت حتما اینا رو تأیید می‌کنه، این در واقع سلسله حلقه‌هایی است که از زمان آدم ابوالبشر وجود داشته، هیچ وقت قطع نشده، قرآن می‌گه همیشه جریان حق وجود داشته ولو کم، در روایت هست (در کتاب کافی) که اگر روی زمین خدا دو نفر بیشتر نباشند یکی از اون‌ها حتما حجت خداست ببینید چقدر قشنگ، مطمئن باشید خدا حجتش رو روی زمین خواهد داشت... همیشه و در هر زمانی اهل حق خواهد بود ولو خیلی کم، بعد از قیام کربلا تعبیر اینه **إِرتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَوْ أَرْبَعَةً** دیگه کسی نمونده اما باز سه نفر موندند، باز چهار نفر موندند، یعنی شده به

چهار نفر اما این چهار نفر رو نگه می‌دارند، این جوری نیست که هیچ اثری از حق و هدایت نباشه، پس این سلسله ی جبهه حق همیشه بوده، البته مادامی که این‌ها پای حق بایستند خب حضرت اونا رو تأیید می‌کنه. یا اینکه در روایات آمده فردی از اهل قم خواهد آمد با مردانی با دلی از پاره‌های آهن که دور او را می‌گیرند **يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا...** میرن تا این پرچم رو به دست صاحبش برسانند. اینا روایات ماست، **يَخْرُجُ النَّاسُ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ** اینا روایات ماست، مردمی از مشرق خروج می‌کنند که این‌ها زمینه را برای سلطنت مهدی عج الله فراهم می‌کنند، مگه همه این‌ها رو می‌شه کنار گذاشت؟! این‌ها بشارت‌هایی‌ست که دادند...

بنده خودم بدون واسطه از مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی سید کاظم حائری سؤال پرسیدم (بیشتر مقلدین ایشون در عراق هستند، خیلی از جوانان در عراق مقلد ایشوند، ایشون خودش از شاگردان برجسته و بلکه برجسته ترین شاگرد آیه الله شهید سید محمدباقر صدر است، تقریباً وارث علمی و ادبی شهید صدر الان ایشانند، شاگردان دیگری هم هستند مثل آیت الله هاشمی شاهرودی و دیگران، اما شاید از همه برجسته تر ایشانند که مرجعیت هم داره) بنده خودم از ایشان سؤال کردم خب آقای سید کاظم حائری حفظه الله ایشون در زمینه ظهور، مهدویت، بحث ولایت اسلامی، ولایت فقیه کار کرده. بنده از ایشون عرض کردم که شما تو این بحث عوامل ظهور و آخرالزمان و اینا.. خودتون به یه نتیجه‌ای رسیدید؟ گفتم خب چون این روزها چون هرکی از راه می‌رسه، بالاخره هر کی یه تریبونی داره، برا خودش تحلیلی ارائه میده و گاهی تطبیق می‌کنه، گفتم من از شما می‌خوام، می‌خوام از نظر شما استفاده کنم، خودتون یه جمع بندی، یه ارزیابی رسیدید؟ (با دوستانی بودم، اونام خیلی گوشاشونو تیز کردند که آقا چی می‌گه) ایشون یه تأملی کردند و بعد فرمودند «راستش من میان این همه مسائلی که در روایات مطرح شده، این همه حوادثی که اتفاق افتاده، نسبت به یک مورد اطمینان دارم، که از علائم آخرالزمانه و از بشارت‌های نزدیک شدن ظهور حضرت - البته نمی‌شه وقت و زمان تعیین کرد - به نظرم محقق شده. پرسیدیم: خب چیه؟ فرمودند: همین انقلاب اسلامی ایران. این تنها موردی‌ست که برای من محرز، از اون بشارت‌هایی‌ست که محقق شده. حالا یه تعبیری هم داشتند نمی‌دونم دیگه ایشون راضی هستند یا نه، ما از ایشون نشنیدیم که راضی نیستند، چون حال خاصی هم داشتند، بعد منقلب شدند و فرمودند «خدا کنه اون روز

نباشد که آقا نباشند (منظور مقام معظم رهبری بود) و حضرت هم نیامده باشند! این تعبیری بود که این مرجع عالیقدر داشتند، منقلب شد ایشون این جمله رو گفت بعد ما دیگه بحث رو عوض کردیم، بعضی از دوستان گفتند اگه آیه الله العظمی این حرف رو بزنند که غیر از ما بچه طلبه است ها، خب بعد من می گم جانم فدای رهبر، او داره می گه با چشم پُر اشک می گه اون روز نباشه که آقا نباشه بین ما و حضرت هم نباشه، در واقع به عبارتی ایشون خودش رو آماده کرده که انشاءالله ببینه، انشاءالله هممون ببینیم.

حفظ و تقویت جبهه حق، خب این تمهیدات رو خیلی از دلسوزان انقلاب گفتند ما با همه وجود احساس کردیم عنایت حضرت رو، همه مردم با شعار یا حسین آمدند وسط میدان، حضرت تأیید می کنه، حضرت کمکمون می کنه، شب ۲۲ بهمن شب پیروزی انقلاب یکی از شاگردان امام تعریف می کنه، می گه زنگ خورد، گوشی رو دادن دست امام، یک کسی پشت گوشی تلفن بود که امام گفتند نه همین که گفتم، متوجه شدم ظاهرا او آقا خودش از بزرگانه داره به امام می گه «آقا خطر نکنید اینا حکومت نظامی اعلام کردند! یعنی مردم بریزن بیرون، خون به پا می شه، نکنید آقا» امام با آرامش تمام گفتند نه همون که عرض کردم. یک دفعه امام با ناراحتی فرمودند که «اگر به ما این جور گفته باشند چه؟!» و مشاهده نمودید که انقلاب اسلامی هم پیروز شد. هیچی نگفت امام اون شب. چه اتفاقی افتاده بود؟! خودشون هم ادعایی نداشتند، ما هم گفتیم همچین اعتقادی نداریم. اما بالاخره کارها رو یکی دیگه داره پیش می بره، داره تأیید می کنه، حمایت می کنند.

اینو دیگه همه ی رجال سیاست و اقتصاد و دیپلماسی می فهمند که در تاریخ بشر هیچ مملکتی این گونه تحت فشار و این همه دشمن قرار نگرفته و دوام آورده باشه! هیچ انقلابی با این همه دشمن در تاریخ بشر اینقدر دوام نیاورده. با این همه هزینه، این همه جنگ، این همه شهید - که در مسجد شما هم عکس بعضی شون رو می بینید - واقعا ۸ سال مقاومت یعنی چی؟! کمک و توجه دارند، شیعه باید تربیت بشه... کتاب "روزنه‌هایی از عالم غیب" تألیف آیه سید محسن خرازی از فقها، به رفقا گفتم می‌خواید داستان‌های عجیب بشنوید حرف‌های علما رو بخونید نه حرف‌های هر کسی از عوام رو، گاهی عوام از خودشون زیاد چیزی در میارن، اما علما بی حساب حرف نمی‌زنن، این کتاب رو بخونید ایشان خودشان

فقیه هستند، توی همین کتاب روزنه‌هایی از عالم غیب آیه الله خرازی نقل می‌کنه از یکی از علماء (ظاهرا از مرحوم نائینی) که :

در جریان جنگ جهانی، ایشون در عالم رویا، می‌گفت من بودم و نقشه ایران که داشت خراب می‌شد، بعد احساس کردم آقایی آمدند و به دلم افتاد که خود حضرت حجت عج الله باشند، با نگرانی گفتم آقا چی میاد به سر این مملکت؟؟ حضرت گفتند «نگران نباش اینجا شیعه خانه ماست» حفظ و تربیت شیعه.

البته من همیشه گفتم **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ**، شما پای امام زمان (ع) باشید...، شما دست از شعارها و ارزش‌های اول انقلاب بر ندارید...، اگر کنار بکشید حضرت چک سفید امضاء برای کسی امضاء نکرده حتی برای ما، **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ** حجت خداست و لذا کمک می‌کنه، شما تصور می‌کنید که این مانور میلیونی اربعین آیا جزء به عنایات امام زمان ارواحنا فداه اتفاق می‌افته؟

راهبردها در دوران غیبت کبری چیه؟ هدایت باطنی و حمایت‌های پنهانی. این دو عنوان کفایت می‌کنه، ما تصور نکنیم که حضرت در دوران غیبت کبری که گفتیم باب ارتباط بسته ست پس خودشون منتظر نشستند تا زمان ظهور فرا برسه، حداقل دو راهبرد رو امام زمان دنبال می‌کنند. ۱. هدایت باطنی، هدایت باطنی یعنی چی؟ توضیح می‌دیم که هدایت انواع و اقسام داره : هدایت تکوینی و هدایت تشریحی، هدایت عام و هدایت خاص، هدایت ظاهری و هدایت باطنی... هدایت ظاهری یعنی هدایتی که به شکل عادی انجام بشه، محضر امام می‌رسی، نمی‌رسی نامه می‌نویسی، پیغام می‌دی بالاخره به یکی از این شکل‌ها حضرت راهنمایی می‌کنند، اما هدایت باطنی یعنی ظاهرا از حضرت استفاده نمی‌کنید اما در باطن مستفیض و بهره‌مندیم، یعنی چی؟ یعنی قلب ما متأثر از هدایت حضرته. مگه می‌شه؟ بله. حجت خدا ولایت داره بر دل‌ها، حکومت می‌کنه بر قلب‌ها، امام موسی بن جعفر (علیه السلام) به هارون فرمودند: «تو بر تن‌ها حکومت می‌کنی، من بر قلب‌ها» قلب دوستانشون دست ایشونه، و نه فقط دوستانشون، هرکسی که اراده کنند. شما فکر می‌کنید امثال تیجانی بدون عنایت ولی عصر تبدیل شدند به بزرگترین مبلغین شیعه بر عالم؟! خودشونم می‌دانند که تا آخر مدیون امام زمان (عج الله) هستند، او غائبه ولی گاهی اوقات این جور

عنایت می‌کنه، هدایت باطنی یعنی اینکه، خود حضرت.. شما فکر کنید اینجا جزء اینکه خود حضرت زمینه رو فراهم می‌کنه که با او و معارف او آشنا بشید، جمعه‌ها بیاید درس مهدویت رو یاد بگیرید و اگر عنایت نمی‌کرد قطعا نمی‌آمدید، شک نکنید، کمک می‌کنه هرچند ما حضرت رو نمی‌بینیم، اما ایشون به شکل‌های مختلف عنایت دارند. فرمودند **الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا** کسانی که می‌خواهند در راه خدا جهاد کنند رو ما هدایتشون می‌کنیم، **سُبُلَنَا** : از هر راهی و لو خودشون نفهمند، اونم هدایت باطنی، لذا اکثرا هم نمی‌فهمند، ولی فقیه هم حتی این ارتباط مستمر رو نداره، اما از این هدایت باطنی قطعا برخورداره... اینکه رهبری در تریبون نماز جمعه، امّ القُری جهان اسلام در حالی که ده‌ها دوربین داره به طور مستقیم فیلم رو زنده پخش می‌کنه برای همه دنیا که دارن جریان فتنه تهران رو دنبال می‌کنند، منقلب می‌شه با چشم اشکبار میگه «مولای ما! سید ما! برس به داد ما...» خیلی‌ها نفهمیدند چه اتفاقی افتاد! «دعا کن برای ما...» این طلب یه هدایت باطنیه، خیلی تکان دهنده ست این صحنه، من هر وقت این فیلم رو بعدِ سالها باز دوباره می‌بینم خدا شاهده گاهی مو به تنم راست می‌شه، چی کار داره می‌کنه آقا. چه جووری داره حرف می‌زنه... «برس به داد ما» این جا مگه شیعه خانه تو نبود؟! خیلی تکان دهنده ست! یک فقیه، یک مرجع تقلید، یک رهبر با میلیون‌ها فدایی و دل‌داده می‌گه برس به داد ما!! بعد می‌بینید تمام دنیا خودش رو آماده کرده بود که جشن بگیره سقوط انقلاب اسلامی رو و بر باد رفتن میراث صدها هزار شهید رو! اما نشد، اتفاق نیفتاد، خدا رحمت کنه مرحوم آقای بادامچیان رو (ایشون از بزرگان مؤتلفین و از مبارزین قدیمی نهضت) شنیدم ایشون گفته بود "به نظرم همون چند جمله آقا کار رو تموم کرد، وگرنه کار حالا حالاها تموم نمی‌شد" هدایت باطنی و حمایت‌های پنهان، گاهی الهام می‌کنند، گاهی راه رو نشون میدن کار رو راه می‌اندازند...

من چقدر جلسه رفته باشم که بچه‌ها گفته باشن از هیچی شروع کردیم حسینیه رو بنا کردیم این مسجد رو بردیم بالا، از هیچی؛ میگه بخدا قسم، هیچی نداشتیم، دور هم جمع شدیم یه الهی عظم البلاء خون‌دیم گفتیم یابن الحسن برس به داد میگه دیدیم همین جور میاد از این ور و اونور، طرف میاد میگه الان چقدر شما کارتون گیره؟ میگه اصلا ما می‌زدیم زیر گریه، می‌گفت چقدر لازم داری؟ می‌نوشت، چک می‌نوشت...

اینا از کجا در میاد بی منت! ما تو مدرسه حضرت مهدی(عج الله) هیچ وقت نمودیم، گفتیم یه وقت کفران نعمت نکنیم ها! جوش نزنید! سربازهای خودش رو تامین می کنه، دستمون پیش هرکسی دراز نشه!

طلبه ای هوس حج افتاده بود بهش، گفت «تو کربلا نمی تونی بری، حج آخه چه جوری؟! یه حرفی می زنی!» می گفت چی کار کنم دیگه افتاده تو دلم، بچه های مکتب حاج آقای موسوی نژاد میگن : یکی آمد وارد مدرسه شد می چرخید گفتم چیه؟ گفت : طلبه خوب به من معرفی کنید می خوام بفرستمش حج، گفت ثوابش رو هم هدیه می کنم به پدر و مادرم... گفتیم : یکی هست بی تاب حجه، آمد و گفت : آقا جان این فیشت، اینم خرج راهت، اینم پول برای سوغاتیت که دست خالی برنگردی، اینو گفت اصلا یه ولوله ای شد تو مکتب! آقا میاد کمکت، لازم نیست که خودشون بیان، چه خیمه ها چه روضه ها چه حسینیه ها... بله، این پسر همون مادره دیگه، می گفت «پسر! اول برای مردم، اول برای این ها خودمون بعد» من یه چیزی نقل نمی کنم یا اگه نقل می کنم مستند نقل می کنم، حرف هایی که خودم سندش رو دنبال کردم و برام ثابت شده. خدمت آقای ری شهری بودیم، همتون می شناسید ایشون جریان رو نقل کردند - کتابی هم چاپ کردند و تو همین کتاب آوردند این مطلب رو، شما نگاه کنید فکر می کنم کتاب "خاطره های آموزنده" اون جا نقل کرده باشند - گفتند «من از یکی از رزمندگان حزب الله اینو شنیدم که گفته بود تو جنگ ۳۳ روزه لبنان ما اوایل جنگ خیلی کارمون سخت شده بود و نمی تونستیم جنگ رو به نفع خودمون پیش ببریم علتش هم این بود که اسرائیل نیروهاش رو که می جنگید پشت سر خط مقدم ما، طوری دور می زدند که نیروها مرتب برای ما کمین می زدند و جنگ پیش نمی رفت فقط تلفات می دادیم، تنها راهش هم این بود که ما هلی کوپترهای آپاچی اینا رو بزیم که دیگه نتونند ما رو دور بزنن. می گفت یه شب از خستگی خوابم برد، ظاهرا بچه سید هم بوده، گفت در خواب احساس کردم خدمت عمه جانم حضرت زینب(سلام الله علیها) هستم، گفت رفتم جلو گفتم به خود بی بی بگم، بگم بی بی گیر کردیم! میگه احساس کردم بی بی الان دلشون مشغوله ذهنشون مشغوله، خودشون یه غصه ای دارند (که حالا من به رفقا گفتم خودش روضه ست) الان آمادگی این رو ندارند که کار من رو انجام بدن، یه اشاره ای کردند به اون سمت، اون طرف احساس کردم مادرشون حضرت زهرا(سلام الله علیها) رفتم گفتم مادر جان کمکم کنید، بی بی یه لبخندی زدند گفتند نگران نباش دست بردند زیر چادر مبارکشون یه پارچه سفیدی رو در آوردن خیلی قشنگ انداختند به سمت آسمون تمام شد، از خواب بیدار شدم دیدم همه دارن فریاد می زنن الله اکبرالله

اکبر! گفتم چی شد؟ گفتند زدیم، اصلا ورق برگشت تو جنگ» آقای ری شهری می‌گه «من رفتم لبنان این رزمنده رو پیداش کردم، گفت آره من داشتم این موشک اندازم رو که زمین به هوا بود باهش ور می‌رفتم درستش کنم، اما کار نمی‌کرد داشتم این رو تعمیرش می‌کردم یه دفعه ناگهان شلیک شد و خورد و سقوط کردن اون همانا و ... بعد دیدم این رفیقمون داره میاد گریه می‌کنه، می‌گه خواب دیدم، گفتیم چی؟ گفت: بی بی یه پارچه انداختند سمت آسمون، دیدم درست همون لحظه‌ای که موشک شلیک شد از سمت بچه‌های حزب الله توی لبنان...» گاهی یه جلوه ای دارند در عراق... حالا ما منتظر جلوه های حضرت تو اربعینیم انشاءالله، شیعه بی صاحب نبوده و نیست، صاحب نداشت این همه مجالس و محافل و حسینیه هرسال پر شورتر از سال قبل! حمایت می‌کنه آقا.

در آخر می‌گیم "واقعا این حضور پنهان ثمره‌ای داشته برای ما" سوال کنید ثمره‌ای نداشته؟! چطور ثمره‌ای نداشته؟! **بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** (هود/۸۶) در روایات تأویل شده به وجود مبارک امام عصر عجل الله فرمود: برای شما بهتره اگر ایمان داشته باشید. بقیه الله؛ حتی اگر خورشید، پشت ابر باشه، این تعبیر خود روایاته، درچندین روایت وجود مبارک امام عصر تشبیه شده به **خورشید پشت ابر**، فرمودند خورشید گاهی پشت ابر میره، اما خورشیده، و خورشیدی می‌کنه، شما ممکنه خورشید رو نبینید اما از گرمای وجودش، از نور وجودش، از آثار حیاتش بهره‌مندید، پس امام زمان (عج الله) خورشید پشت ابره، همه بهره‌مند سفره‌ی فیض او هستند لذا اولین سند وجود مبارک حضرت حتی در عصر غیبت کبری که دست ما از دامان حضرت کوتاه، حیات هستی ست، درست مثل خورشیدی که گل سیاه رو رونق می‌ده به زندگی صفا می‌ده، حیات هستی هم به وجود امامه، فرمود: **لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ بِيَمِينِهِ رُزْقَ الْوَرَاءِ وَ بُوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ**. او **واسطه فیض خدا** برهستی ست، فرمود اگر حجت خدا نبود اصلا زمین ادامه ی حیاتی نداشت! تمام هستی از طفیل وجود اوست! او واسطه فیضه.

دوم ضمانت دین حقه، ضمانت بقای دین حقه، دین حق باقیست چون امام زمان (عج الله) هست، با همه‌ی اون معارف ناب، گفتند مثل یک صندوقچه پُر از دُرّ ارزشمندی که خاطرمون جمعه که سرمایه ما هنوز هست و لو درون یه صندوقچه، ولو پشت پرده‌ی غیبت.

و سوم انگیزه و امید بر مؤمنان تقویت میشه، مومنانی که می‌دانند امام زمان شون هست، نیمه شعبان این چه شور و حالیست که بچه شیعه‌ها پیدا می‌کنند، احساس می‌کنند می‌خوان جشن تولد بگیرن برای امام حَیّ و حاضر و ناظرشون، چرا رزمنده‌ها این جور در جبهه‌ی جانبازی می‌کنند، جان رو کف دست می‌گیرن، جانبازی می‌کنند احساس می‌کنند در محضر حجت خدا هستند در محضر امام زمان (عج الله) هستند، این انگیزه و امید روز به روز تقویت می‌شه، من یه متنی از یکی از دانشمندان معروف یهودی براتون بخونم، پروفیسور هانری گُربن (پژوهشگر فرانسوی که ارتباطات و مذاکراتی داشتند آمده بود به ایران می‌گفتند، می‌خوام با شیعه آشنا بشم) می‌گفت به عقیده من تشیع تنها مکتبی است که رابطه‌ی هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگاه داشته است، «یهود» نبوت را در حضرت کلیم ختم کرده، و پس از آن به نبوت مسیح و پیغمبر اسلام نپیوسته اند، «مسیحیان» در مسیح متوقف شدند، «اهل سنت» نیز نبوت را با پیغمبر ختم کرده و دیگر رابطه‌ای میان خالق و مخلوق از نظر آنها موجود نیست! و تنها «مذهب شیعه» است که نبوت را با ولایت تکمیل می‌کند و به ولی حاضر و زنده خویش ایمان می‌آورد.

تو تل آویو وقتی این کنفرانس برگزار شده بود می‌دونید دیگه جمع‌بندی همه کارشناسان اون کنفرانس این بود که شیعه دو بال داره؛ یکی بال سرخ حسینی و یکی بال سبز مهدوی، بال سرخ حسینی به شیعه شهامت می‌ده، بال سبز مهدوی به شیعه امید می‌ده، این دو تا رو باید از شیعه بگیریم، لذا سعی کنید به مجالس حسینی حمله کنید و عزاداری‌های حسینی رو بی مایه کنید اون‌ها رو از عنصر شوق آفرینی و انگیزه آفرینی و شهادت آفرینی خالی کنید... و از اون طرف هم در مهدویت ایجاد انحراف کنند چون این دو تا بال رو باید بشکنیم، مهدویت به این‌ها امید می‌ده و انتظار. والسلام علیکم و رحمۃ الله

استاد : الهی

موضوع : فلسفه غیبت و فوائد امام غائب

زمان : جمعه ۱۳۹۴/۸/۲۲